



پروسه نابودي امپراطوري آمريكا آغاز شده است

يك نظامي سابق آمريكايي با تشریح اينكه امپراطوريها بر مبناي دروغ و ناآگاه ننگ داشتن مردم تشكيل مي‌شوند ...

يك نظامي سابق آمريكايي با تشریح اينكه امپراطوريها بر مبناي دروغ و ناآگاه ننگ داشتن مردم تشكيل مي‌شوند و آمريكا آخرين تکرار از اين نوع است، گفت: بيداري مردم باعث شده است تا پروسه نابودي امپراطوري آمريكا آغاز شود. به گزارش فارس، پایگاه خبري "ربل نيوز" (Rebelnews) مصاحبه‌اي با "کنت اوکیف" (Kenneth O'Keefe) يکي از اعضاي کاروان آزادي غزه و از فعالان صلح بين‌المللي منتشر کرده است. اين مصاحبه توسط کوروش ضيابري روزنامه‌نگار مستقل ايراني انجام شده است.

کنت اوکیف يك شهروند جهاني است. وي هم‌چنين يك فعال ضد جنگ و يك تحليلگر مسائل اجتماعي است. او شهروندي خود را در ايالات متحده در اول مارس 2001 رد کرد و پاسپورت خود را در 7 ژانويه 2004 در اعتراض به سياست‌هاي امپرياليستي آمريكا باطل کرد و خواستار خروج نيروهاي نظامي آمريكا از عراق شد.

اوکیف درياسالار سابق آمريكايي است و در سال 1991 در جنگ خليج فارس در ارتش آمريكا خدمت مي‌کرده است و متعاقب آن استفاده از اورانيوم غني شده از سوي ايالات متحده را به عنوان جنايت عليه بشريت فاش کرد.

اوکیف در تعدادي از جنبش‌هاي ضد جنگ حضور داشته و به عنوان رئيس انجمن دفاع از حقوق بشر در عراق خدمت کرده است. او يك گروه فعال تاسيس کرد. آن‌ها براي انجام فعاليت‌هاي بشر دوستانه و جلوگیری از بمب‌گذاري در مکان‌هاي خاص توسط ارتش آمريكا در طول حمله به عراق در سال 2003، به اين کشور سفر کردند.

در سال 2004 نيز اوکیف يك انجمن به نام "نيروي P10K" تاسيس کرد، اين گروه 10 هزار داوطلب داشت که به عنوان ناظران بين‌المللي در فلسطين اشغالي حضور يافته و به روند صلح در اين مناطق کمک مي‌کردند.

در پاييز 2008 او به عنوان يك کاپيتان و اولين داوطلب براي آزادي محاصره غزه خدمت کرد. او هم‌چنين يکي از فعالان صلح بين‌المللي بود که در "کاروان آزادي غزه" که هدفش پايان محاصره غزه بود نيز حضور داشت.

اوکیف موافقت کرد با من مصاحبه‌اي داشته باشد و به سوالات من در مورد ديدگاه‌هاي ضد امپرياليستي خود، منازعه فلسطين و اسرائيل، ادامه جنجال‌ها بر سر پرونده هسته‌اي ايران، دشمني بين ايران و ايالات متحده و تجربيات خود در زمينه ماموريت کاروان آزادي، پاسخ دهد.

در زير مصاحبه وي را مي‌خوانيد:

"سلاح امپرياليسم ناآگاه ننگ داشتن مردم است

کوروش ضيابري: به عنوان يك فعال ضد امپرياليست، نظر شما درباره منابع فوق‌العاده امپرياليستي آمريكا چيست؟ آمريكا کشوري با کمتر از 400 سال قدمت است اما اين کشور توانسته مديريت نظم بين‌المللي را به دست گرفته و به کشورهايي که قدرت کمي دارند، تسلط يافته است، چگونه اين کار را توانسته انجام دهد؟

اوکیف: دنيا پر از ابزارهايي است که توسط ثروتمندان و قدرتمندان کنترل مي‌شود تا بتوانند مردم را تحت سلطه خود داشته باشند. بزرگترين ابزاري که قدرت ويرانگري نيز دارد اين است که مردم آمريكا و بریتانيا به دولت‌هايشان راي مي‌دهند و به آن‌ها مشروعيت مي‌بخشند. آن‌هايي که واقعا دولت‌ها را کنترل مي‌کنند همان افراد کم تعداد قدرتمند هستند که سيستم بانک‌ها، شرکت‌هاي چند مليتي و البته رسانه‌هاي جمعي را نيز تحت کنترل خود دارند. اگر شما فراتر از رئيس جمهور، نخست وزير و سياست‌مداران را ببينيد، خواهيد ديد که سياست اين دولت‌ها بدون توجه به اولويت‌هاي واقعي کشورهايشان به همين شکل باقي خواهد ماند. اين رهبران به مردم پاسخگو نيستند؛ آن‌ها به کساني پاسخگو هستند که ديده نمي‌شوند و در پشت پرده باقي مي‌مانند.

اين افراد قدرتمند به دليل نيازهاي کليدي استراتژيك زير قدرت خود را حفظ مي‌کنند: 1- آن‌ها مردم را نادان و ضعيف نگه مي‌دارند، 2- آن‌ها مردم را جدا از هم نگه داشته و از اتحاد آن‌ها جلوگیری مي‌کنند.

آن‌ها از اين طريق بر مردم تسلط پيدا مي‌کنند، زيرا هيچ شانسايي براي متحد شدن به آن‌ها نمي‌دهند.

وي در ادامه پاسخ به اين سوال مي‌گويد: اين سيستم توسط همان خانواده‌ها هزاران سال است که کنترل مي‌شود. در طول اين وضعيت غم‌انگيز، امپراطورهاي زيادي آمده‌اند و رفته‌اند و هر يك راه را براي ديگري باز کرده‌اند. آمريكا آخرين تکرار همان الگو است و اين امپراطوري نيز مانند همه سقوط خواهد کرد. در هر صورت قدرت‌هاي پشت آن همانهايي هستند که سيستم‌هاي بانكي، دولت‌ها و تبليغات را کنترل مي‌کنند. وظيفه آن‌ها اين است که اين شيوه را تا امپراطوري بعدي در جاي خود باقي نگه دارند و اين الگو به همين روش تکرار خواهد شد.

ما دائما به چهره‌هايي که اين قدرت‌ها به ما ارائه مي‌کنند، نگاه مي‌کنيم اما قدرت‌هاي اصلي خودشان را در پشت پرده نگه مي‌دارند. بين آن‌ها و مردم چند لايه فاصله وجود دارد و يك سيستم بسيار پيچيده و قانوني از آن‌ها حمايت مي‌کند و آن‌ها را پنهان نگه مي‌دارد.

در غرب اين فرضيه به يك نظريه معروف شده است.

وي مي‌گويد: تا زماني که اين سيستم و افراد پشت صحنه در معرض نمايش قرار بگيرند ما چرخه خود تخريبي و حرکتان را به سمت يك مبارزه غير هسته‌اي ادامه خواهيم داد. در اين راه سلاح قدرتمند ما، صداقت و حقيقت است و تا زماني که اين قدرت را کامل نکنيم هرگز صلح و عدالت را در اين جهان نخواهيمديد.

"پروسه نابودي ايالات متحده آغاز شده است

ضياياري: چگونه مي‌توان در مقابل امپرياليسم آمريکا مقاومت کرد در حالي که قدرت مطلق در اختيار آنها است و دولت‌هاي ثروتمند جهان بي‌باکانه از واشنگتن حمايت مي‌کنند، در حالي که کشورهاي در حال توسعه و کشورهاي فقير از گرسنگي و فقر و بي‌کفايتي رنج مي‌برند؟ حتي جنبش عدم تعهد که در بردارنده 118 کشور است قادر نيست خواسته‌هايش را به ايالات متحده و اتحاديه اروپا ديکته کند. يك مثال واضح برنامه هسته‌اي ايران است که 118 کشور عضو عدم تعهد از آن حمايت کردند اما به علت مخالفت 5 تا 6 کشور اروپايي به اضافه آمريکا نتوانستند خواسته‌هاي خود را برآورده کنند. نظر شما چيست؟

اوکيف: من معتقدم که پروسه نابودي امپراطوري آمريکا در حال حاضر آغاز شده است. "حقيقت" قدرتمندترين سلاح مردم است و افزايش محبوبيت شبکه‌هاي خبري مانند "پرس.تي.وي" و "الجزيره انگليسي" و RRTV به خاطر همين واقعييت است چرا که نشان مي‌دهند مردم تشنه حقيقت هستند. عليرغم تلاش‌هاي گسترده غرب و صهيونيست‌ها براي کنترل رسانه‌ها و متعاقب آن ناآگاه نگه داشتن مردم، تلاش‌هاي ژورناليستي مهمي انجام دادند که يك سبک جديدي از حقيقت را به عنوان حقيقت رويدادهاي جهان گسترش دهند.

اما حقيقت در کنار ماست و ما بايد آن را آزاد کنیم. اگر ما مقاومت کنیم مي‌توانيم به آن‌هايي که در غرب هستند و از مسلمانان چهره خشن ارايه مي‌دهند و ماشين جنگي و تبليغاتي خود را براي تسخير افکار مردم به کار مي‌گيرند، حقيقت را بياموزيم. اگر مردم متوجه شوند کسانی که از جنگ نفع مي‌برند، همان‌ها هستند که آن را تبليغ مي‌کنند ما از ظلم و ستم و جنگ، اشغال و اين سيستم پولی رها خواهيم شد.

وي در ادامه اضافه مي‌کند: مردم جهان مي‌توانند درخواست کنند که سازمان ملل را تغيير شکل بدهيم يا آن را با يك سيستم بهتر که واقعا عملکرد خوبي داشته باشد و از ابتدا شکست خورده نباشد، جايگزين کنیم. اگر تلاش کنیم، مي‌توانيم سيستم 5 عضو دائم شوراى امنيت را خنثي کنیم.

جنبش عدم تعهد با وجود عدم توانايي بسيار مهم و موثر است بنابراین به تغييرات بيشتري نياز دارد. اين همان شالوده و بنياني است که ما بايد بسازيم.

رژيم صهيونيستي با ريكاري و دروغ صدها کلاهک هسته‌اي دارد که هيچ‌گاه آن را اعلام نکرده است، در حالي که يك برنامه هسته‌اي شفاف مثل برنامه هسته‌اي ايران، عملي براي جنگ تلقي مي‌شود. اگر ماشين تبليغاتي آن‌ها بتواند مردم را در جهل و ناداني نگه دارد، جنگ مي‌تواند آغاز شود. من فکر مي‌کنم که حمله از پيش برنامه‌ريزي شده به ايران حدود يك يا دو سال پيش طراحي و برنامه‌ريزي شده است. دليل اينکه تاکنون اين طرح عملي نشده اين است که عوامل حقيقت بدون وقفه و خستگي ناپذير براي افشاي حملات پنهاني غول امپرياليسي آمريکا و استفاده از رژيم صهيونيستي به عنوان سگ تازي آمريکا، تلاش کرده‌اند.

"آمريکا، بریتانیا و رژیم صهيونيستي محور شرارت واقعي

اگر آمريکا، رژيم صهيونيستي و بریتانیا، محور شرارت، به ايران حمله کنند، من معتقدم همه جهان عليه آن‌ها متحد خواهند شد. با اين وجود حمله به ايران، لبنان و غزه محتمل خواهد بود از اين رو سرمايه‌گذاري براي افشاي حقيقت بايد بيشتري و بيشتري شود. مقابله با عوامل محاصره غزه به نظر من اولويت زيادي دارد و به همين دليل است که من با يك تيم درخشان از افراد باسابقه در کاروان آزادي و با کشتي‌هاي بزرگ و هزاران مسافر که هر کدام نماينده يك ملت از مردم کره زمين هستند براي شکستن محاصره غزه کار مي‌کنم.

با توجه به اين مسائل ما يك انتخاب بين مبارزه يا اسارت خودمان يا جنگ براي صلح جهاني داريم. احساس مي‌کنم تنها راه افتخار به خودم، فرزندانم و نسل‌هايي که هنوز متولد نشده‌اند، جنگ است با حقيقتي که آخرين سلاح ماست تا زماني که عدالت اجرا شود.

ضياياري: ايران و ايالات متحده در طول 30 سال گذشته اختلافات آشکاري داشته‌اند. آیا شما راهي براي اينکه دو ملت به هم نزديک‌تر شوند، پيشنهادهايي کنيد تا فهم متقابل را افزايش دهند و به پيشبرد صلح کمک کنند و روابط دوستانه دوجانبه برقرار شود؟

اوکيف: معنای اوليه رشد درک متقابل و دوستي بين دو طرف تخاصم پوشيده نيست. من اين اعتقاد را تکرار مي‌کنم که حقيقت سلاح نهايي و تنها گزينه ماست. مردم آمريکا سختکوش، آرمانگرا و مردم درستکاري هستند که فريفته شده‌اند و از اين مسئله بيشتري از هر کسي خودشان متضرر خواهند شد. ما بايد تلاش کنیم آن‌ها را آگاه کنیم نه به شيوه دستوري بلکه به شيوه يك‌دلي. آن‌ها بايد اين مسئله را درک کنند که دروغ‌هاي دولتمردان آن‌ها و اعتماد به آن‌ها باعث گمراهي مردم و آسيب شديد به ديگران شده است. پرداختن ماليات يك مثال است.

ما بايد به آن‌ها تاريخ واقعي ملت خود از قبيل شرکت آن‌ها در فرايند شکل‌گيري رژيم صهيونيستي را بفهمانيم. ما بايد بدانيم که رسيدن و پذيرفتن حقيقت يك پروسه آرام و دردناک است به ويژه وقتي که بدانيم شروع خسارات از اقدامات خودمان ناشي شده است. ما بايد در راه رسيدن آن‌ها به حقيقت در کنار آن‌ها باشيم و آن‌ها را به عنوان برادران و خواهرانمان در آغوش بگيريم.